

معضل ترافیک با ضرب و زور حل نمیشود

بیش از یکماه است که در برخی از مناطق تهران حضور گسترده نیروهای نظامی و انتظامی در حاشیه خیابان‌ها نمای یک شهر اشغال شده را در ذهن تداعی میکند. در این مناطق به فواصل کوتاه دو یا چند نفر نیروی مسلح ایستاده و به آمد و رفت مردم و اتومبیل‌ها نظارت میکنند. در مورد این حضور چشم گیر نیروهای نظامی در معابر عمومی گفته میشود که این حضور پرتنگ جهت ساماندهی امر ترافیک و اجرای مقررات راهنمایی و رانندگی مقرر گردیده است.

اگر این چندین نیروهای ویژه در خیابان‌ها بمنظور ایجاد جور عب و به اصطلاح نسق گرفتن از مردم در این اوضاع و شرایط نابسامان کشور نیست و واقعا قصد و منظور فقط رفع مشکلات ترافیکی میباشد که باید گفت معضل ترافیک با ضرب و زور حل نمیشود. ترافیک پایتخت که کم کم به سایر شهرهای بزرگ و کوچک کشور نیز سرایت کرده و صرف نظر از آلودگی هوا و عوارض سنگین ناشی از آن، هر روز میلیون‌ها ساعت از وقت مفید و کاری مردم را تلف نموده و میلیون‌ها لیتر بنزین را به هدر داده و میلیاردها تومان خسارت به بار می‌آورد مسئله ای نیست که با زور و به توسط پلیس با توم به دست گره کوران گشوده شود. برای حل کردن مسئله ترافیک باید برخورد علمی و کارشناسانه داشت و برنامه ریزی‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت را مدنظر قرارداد و هزینه‌های لازم را پرداخت نمود.

باید به راه حل‌های اساسی و مشکل گشا فکر کرد نه به میدان آوردن نیروهای ویژه و سرگردان کردن مردم در خیابان‌ها در جستجوی یک جای پارک. باید وسایل نقلیه همگانی مانند مترو، اتوبوس و خودروهای عمومی دیگر باندازه لازم و کافی در اختیار مردم قرار گیرد. باید پارکینگ‌های طبقاتی در محل و خیابان که نیاز به آنها حس میشود توسط شهرداری‌ها احداث شود. باید با در نظر گرفتن تسهیلات ویژه و مزایائی که توجیه اقتصادی فراهم نماید بخش خصوصی را به ساختن پارکینگ‌های طبقاتی تشویق و ترغیب نمود. باید از زیرگذرها و پل‌های هوایی بطور گسترده در تقاطع‌ها بهره گرفت. باید بزرگ راه‌های جدید با طرح‌های زمان بندی شده معقول و نه با حرکت لاک پشت گونه احداث کرد. باید در بن بست‌هایی که با خرید و تخریب یک یاد و پلاک ثبتی گشوده شده و خیابانی قابل عبور ایجاد میگردد اقدام توسط شهرداری‌ها انجام گیرد. باید نسبت به اجرای طرح‌هایی که مربوط به تعریض خیابان‌ها است و فعلا به مرور زمان و تصمیم و اراده مالکین مشمول طرح معلق مانده بصورت مثبت و با پیگیری برخورد شود. باید بین تعداد اتومبیل‌های جدید که به سطح محدود خیابانها روانه میکنند با تعداد اتومبیل‌های فرسوده که باید جمع‌آوری شوند تناسبی معقول برقرار گردد و مشکل

تولید و فروش کارخانه‌های مونتاژ اتومبیل به اشکال مقتضی دیگری از جمله تغییر خط تولید به ماشین‌های کشاورزی و ترابری که بسیار مورد نیاز کشورند حل گردد نه اینکه همچنان با تولید و ریختن روز افزون اتومبیل‌های سواری به خیابانهای شهرها به معضل ترافیک بیفزایند. باید ساعات شروع و خاتمه کار مدارس، ادارات، واحدهای صنفی، بانک‌ها و دیگر موسسات به نحوی تنظیم شود که شروع و خاتمه کار آنها مختلف و تدریجی باشد تا عبور و مرور در خیابان‌ها روان تر گردد. باید آموزش و تفهیم فرهنگ ترافیک به مجریان این امر و مردم مورد توجه و تاکید قرار گیرد. و کلام آخر اینکه نه مشکل ترافیک و نه سایر تنگناهای متعدد مردم ایران با زور و قوه قهریه و توسط حاکمیتی که جز استفاده از زور و سرکوب راهکاری نمیشناسد قابل حل شدن نیست. باید حاکمیت ملی و منبعت از مردم باشد تا به مردم فکر کند و بتواند مشکلات آنان را برطرف نماید.

از قیاس‌اش خنده آمد خلق را

چند روزی است که باز مطلب تازه‌ای از قول مقامات مسئول سر زبانها افتاده که شنیدنش تاسف برانگیز است. میگویند اگر برای بازی‌های سیاسی و اقتصادی بهای هر بشکه نفت به زیر پنج دلار هم سقوط نماید ما چرخهای مولد را به همان خوبی گذشته می‌گردانیم و خم به ابرو نمی‌آوریم. یعنی از نظر ما پنج دلار مساویست با صد دلار و بالعکس ...

نمیدانیم این کلام را یک شوخی بيموقع یادروغ سال بنامیم. گویا بشکر کنجکاو که در اولین مراحل شناسائی راههای پیشرفت بسوی تمدن بوجود این طلای سیاه پی برد و بتدریج صدها فرآورده سفید از آن ساخت برای آن بود که افرادی مبتکر در آغاز قرن بیست و یکم با کشف فرمول جدید ریاضی بگویند اگر بهر دلیل بهای نفت به بشکه ای چهار دلار هم تنزل نماید برای ما واقعه مهمی رخ نموده است و این اتفاق پشت ما را خم نمیکند. بیاد طنز لطیفی می‌اقتیم که میگویند جوانی در خوردن شیرینی خیلی افراط میکرد گفتند کمی احتیاط کن و کمتر بخور. چرا که علما میگویند شیرینی زیادی عقل را ضایع می‌کند جوان خندید و گفت: مهمل میگویند من خانه موروثی پدری ام را فروختم و همه اش شیرینی خوردم اما ذره‌ای از عقلم ضایع نگردید.

راستی در برابر بیراهه روی و خطا کارها چه اتفاق کمر شکنی باید برای ملت ایران روی نماید تا بیشتر از آنی که مبینیم زندگی‌ها را تحت تاثیر قرارداد و بزرگ و کوچک با احساس خطر از خواب بیدار شوند و مشاهده نمایند که شعله‌های آتش بزیر پرده‌های منازل شان هم نزدیک شده است. کجای دنیا زمامداران کشوری در نتیجه نداشتن دیپلماسی روشن و اصرار در لجبازی برای جدل با مخالف و دگراندیش از حفظ منافع ملی غافل میمانند حتی هر لحظه

بر ضد منافع ملی عمل میکنند تا در راههای خطرناکی گرفتار آیند و ناچار به هر وضعیت تازه‌ای تن در دهند. از یک طرف با گردن افراخته ادعای گذران روز به همان خوبی گذشته را داریم از طرف دیگر در صدد تهیه و تکمیل سلاح‌های سبک و سنگین با همین دلارهای نفتی ارزان شده نشستیم. البته شنیده ایم که گفته اند: ریاضت کش به بادامی بسازد. ممکن است یکی دومورد هم چنین بوده باشد اما انصاف باید این ریاضت کش فداکار دیگر نه حال و مال جنگیدن را دارد و نه موقعیت و مقتضیات نشانی از گذشته‌ها را بدست میدهد. در این حال و احوال اثر مستقیم بهای نفت در سرتا پای هزینه‌ها را انکار میکنیم که به کجا برسیم؟ آیا فقر پرستی در کنار ثروت‌های کانی وارزشمند و تلاف آن دانسته و ندانسته واقعا فخر و بزرگواری و مدیریت خوب نام دارد؟ و در صورت از دست رفتن فرصت‌ها و عدم همگامی شرافتمندانه با دنیا با تاسف بسیار نخواهیم گفت: پیش لب تشنه جان سپردمی به که گویم، برب آب حیات تشنگی ام کشت .. خود را بدست خویشتن به هلاکت افکندن هیچگاه شایسته تحسین نبوده است. بی مناسبت نیست در کنار سخن جدی یک شوخی هم

نثار خواننده بکنیم. شنیده ایم کارفرمائی شاگرد فعال، بازیگوش و یکدنده‌ای داشت. این شاگرد گاهی موجبات عصبانیت استاد و تنبیه خود را فراهم میساخت و سیلی و مشت به عنوان تذکر دریافت می نمود و در پاسخ به این اها نت و زورگویی ارباب هر چه بعنوان دستمزد گرفته بود میداد پنییر میخرد و میخورد و از تلافی ظلمی که به او رفته بود به خودش آفرین می فرستاد.

اما در مورد ادعای اداره مملکت و تامین زندگی مردم (به همان خوبی) که پیش از تنزل بهای نفت جریان داشت، باید ابتدا در معنای (خوبی) تعمق و توافقی بعمل آید و بعد از خود سؤال نمائیم آیا در دنیائی که وسایل و توقعات رفاهی در فاصله هفته و ماه دگرگون میشود برای ما تنفسی دودآلود و مسموم و خوردن نانی با پنیر یا بدون پنیر برای اکثریت جامعه نهایت آرزو و کمال (خوبی) شمرده میشود



نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

www.jebhemelliiran.org

E-mail: hejmi85@yahoo.com